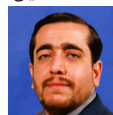


ابعاد فقهی - حقوقی اوراق گام

یادداشت تحلیلی



حسین
مینمی

عضو هیئت‌علمی و مدیر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی

۱ - مقدمه: سال ۱۳۹۸ از سوی مقام معظم رهبری سال «رونق تولید» نام‌گذاری شده است و به همین دلیل این انتظار طبیعی از شبکه بانکی و بانک مرکزی کشور وجود دارد که با حداکثر توان از فعالیت‌های مولد اقتصادی حمایت کنند. با این حال به دلیل وجود برخی مشکلات در صنعت بانکی، تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی به‌ویژه در حوزه سرمایه در گردش با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه است. در این راستا، ایده استفاده از ابزار «گواهی اعتبار

مولد (گام)» با هدف ابرارسازی برای تأمین اعتبار واحدهای تولیدی در قالب زنجیره تأمین، در جلسات کمیته نقدینگی بانک مرکزی مطرح شد و پس از تأیید ابعاد فقهی آن در شورای فقهی بانک مرکزی، در نهایت در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۹۸ به تأیید شورای پول و اعتبار رسید. بر این اساس، در این یادداشت تلاش می‌شود به اختصار به بررسی ماهیت و ابعاد فقهی-حقوقی اوراق گام به‌عنوان راهکار جدید تأمین مالی زنجیره تولید پرداخته شود.

۲ - ماهیت و کاربرد اوراق گام

ماهیت اصلی اوراق گام به بازارپذیر کردن اسناد مطالباتی دریافتی توسط فروشندگان نهاد از واحدهای تولیدی بازمی‌گردد. در این ابزار، واحد تولیدی خریدار نهاد، فروشنده نهاد را جهت استفاده از اوراق «گام» به بانک معرفی می‌کند. فروشنده نهاد از بانک درخواست می‌کند در مقابل دریافت اسناد مطالبات، نسبت به صدور و واگذاری اوراق «گام» اقدام کند. برای مثال، می‌توان فرض کرد واحد تولیدی خریدار نهاد (شرکت الف) از فروشنده نهاد (شرکت ب) به‌عنوان تولیدکننده قطعات خودرو) به میزان ۱۰۰۰ میلیارد تومان قطعات خودرو خریداری کرده و در مقابل آن یک سند بدهی یک‌ساله (چک یک‌ساله) تحویل داده است. با این حال به دلیل وضعیت صنعت خودرو، احتمال می‌رود این چک بموقع پاس نشود و فروشنده نهاد در سررسید به نقدینگی موردنظر دست پیدا نکند. طبعاً، این موضوع در سایر سطوح زنجیره تأمین نیز تأثیر منفی به‌جا می‌گذارد،

زیرا فروشنده نهاد نیز به فروشنده مواد اولیه (شرکت پ) بدهی دارد و در صورت دریافت نکردن مطالبات از واحد تولیدی، نمی‌تواند بدهی‌های خود را به فروشنده مواد اولیه بپردازد. در این وضعیت، می‌توان با استفاده از ظرفیت شبکه بانکی، از طریق اوراق گام امکان تأمین نقدینگی را برای زنجیره تأمین فراهم کرد. در واقع، ابتدا فروشنده نهاد (شرکت ب) چک ۱۰۰۰ میلیارد تومانی دریافتی از واحد تولیدی (شرکت الف) را به بانک تحویل می‌دهد. در ادامه، بانک در مقابل بلوکه کردن این چک، ۱ میلیون گواهی ۱ میلیون تومانی یک‌ساله با ضمانت بانک منتشر می‌کند و آن‌ها را در اختیار فروشنده نهاد قرار می‌دهد. برخلاف چک اولیه، این اوراق بازارپذیر است و فروشنده نهاد می‌تواند از آن‌ها به چند صورت استفاده کند. اولین حالت آن است که این اوراق را تا سررسید نگه دارد و قیمت اسمی اوراق را دریافت کند. دومین حالت، تنزیل این اوراق در بازار ثانویه و دستیابی به وجوه نقد است. آخرین گزینه

نیز واگذاری آن‌ها جهت تسویه بدهی به سایر سطوح زنجیره تأمین (مثلاً شرکت پ) به‌عنوان فروشنده مواد اولیه) است. بر این اساس، به نظر می‌رسد اوراق گام ظرفیت بالایی جهت ایجاد نقدینگی در زنجیره تأمین داشته باشد. در واقع، بنگاه‌های تولیدی می‌توانند با استفاده از آن، سرمایه در گردش مورد نیاز را به شیوه‌ای مناسب و کم‌هزینه به دست آورند. علاوه بر این، این ابزار می‌تواند امکان تسویه بدهی‌ها بین واحدهای تولیدی را فراهم کند. آخرین و شاید مهم‌ترین نکته در ارتباط با اوراق گام ارتباط مستقیم آن با بخش حقیقی اقتصاد است، زیرا برخلاف سایر روش‌های تأمین مالی که ممکن است در نهایت به تأمین مالی تولید منجر نشود، در این شیوه بین بخش پولی و بخش حقیقی اقتصاد ارتباط مستقیم وجود دارد و با اطمینان بالایی می‌توان مدعی بود این راهکار به توسعه فعالیت‌های تولیدی می‌انجامد.

۳- راهکارهای منطبق با شریعت جهت استفاده از اوراق گام

با توجه به اینکه بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا نیاز است کلیه ابزارها و محصولات که در نظام بانکی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد با ضوابط شریعت سازگاری داشته باشد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۴۵)، اطمینان از انطباق ساختار حقوقی اوراق گام با فقه و حقوق اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

در این زمینه با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های فقه اسلامی و قانون مدنی، می‌توان چهار قالب حقوقی را جهت طراحی این ابزار مطرح کرد که در ادامه برحسب اولویت مطرح می‌شود:

الف- جعاله

در این روش، بانک به فروشنده نهاد خدمت خاصی ارائه می‌کند و آن تبدیل چک واحد تولیدی به اوراق مالی استاندارد و ضمانت‌شده است. در اینجا، این اوراق استاندارد از دو ویژگی مهم برخوردار است که عبارت‌اند از: تضمین بانک در سررسید و نقدشوندگی.

در این الگو، بانک نقش عامل صدور اوراق و همچنین ضمانت بازپرداخت آن‌ها را در سررسید بر عهده دارد. همچنین در این الگو، تعهد بانک صرفاً ضمانت بازپرداخت واحد تولیدی در سررسید است و تعهدات بانک اصطلاحاً به صورت زیرخط ثبت می‌شود. علاوه بر این، بانک می‌تواند بر اساس منطق عقد جعاله نسبت به دریافت کارمزد صدور اوراق و همچنین کارمزد ضمانت اقدام کند که هر دو به لحاظ شرعی مورد تأیید است.

این راهکار جهت طراحی اوراق گام، به تأیید شورای فقهی بانک مرکزی رسیده است. در این زمینه بر اساس مصوبه شورای فقهی بانک مرکزی، اولاً انتشار اوراق بر پایه سند بدهی بلوکه شده در قالب قرارداد ضمانت شرعی یا عرفی اشکال ندارد؛ و دوم، دریافت کارمزد در قبال ارائه چنین خدماتی از طرف بانک مجاز است.

ب- بیع

در این روش، بانک چک شرکت تولیدی نزد فروشنده نهاد را در مقابل واگذاری

اوراق گام خریداری می‌کند؛ به عنوان مثال، بانک چک شرکت الف را در مقابل پرداخت تعداد مشخص اوراق استاندارد گام، از شرکت ب خریداری می‌کند. در اینجا بر اساس منطق فقهی عقد بیع، چک شرکت الف به تملیک بانک درمی‌آید. شایان ذکر است این الگو با شبهه فقهی «بیع دین با دین» مواجه است که از منظر مشهور فقهای امامیه و امام خمینی (ره) مردود است.

ج- صلح

این روش مشابه الگوی بیع است، با این تفاوت که قالب حقوقی آن بر اساس عقد صلح که در فقه اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است، طراحی می‌شود؛ به عنوان مثال، بانک چک شرکت الف (واحد تولیدی) را در مقابل پرداخت اوراق استاندارد گام با شرکت ب (فروشنده نهاد) مصالحه می‌کند.

با توجه به اینکه عقد صلح از جمله عقود تملیکی محسوب می‌شود، در اینجا چک شرکت الف به تملیک بانک درمی‌آید. گفتنی است در این الگو دیگر عقد بیع وجود ندارد که شبهه بیع دین با دین مطرح شود، بلکه همان‌طور که مشهور فقها و امام خمینی (ره) مطرح کرده‌اند، استفاده از عقد صلح راهکاری جهت رفع شبهه بیع دین با دین است.

د- معاوضه

این روش کاملاً مشابه الگوی صلح است، با این تفاوت که قالب حقوقی آن بر اساس قرارداد معاوضه طراحی می‌شود که در قانون مدنی صراحتاً مورد تأیید واقع شده است. در این زمینه، ماده ۴۶۴ قانون مدنی بیان می‌کند: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند؛ بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد». ماده ۴۶۵ نیز بیان می‌دارد: «در معاوضه احکام خاصه بیع جاری نیست». بنابراین در اینجا، با توجه به اینکه قالب حقوقی اوراق گام از چهارچوب بیع خارج شده است و در قالب معاوضه قرار می‌گیرد، لذا شبهه بیع دین با دین برطرف می‌شود.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

اوراق گواهی اعتباری مولد (گام) یکی از جدیدترین نوآوری‌های نظام بانکی کشور در راستای تأمین مالی زنجیره تأمین و حمایت از بخش حقیقی اقتصاد محسوب می‌شود. انتظار می‌رود استفاده از این ابزار به شیوه صحیح، به تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی کمک شایانی کند و از این مسیر به رونق تولید بینجامد.

در این یادداشت، تلاش شد ابعاد فقهی-حقوقی اوراق گام بررسی شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هرچند بر اساس مصوبه شورای فقهی بانک مرکزی، قالب حقوقی فروش خدمت (جهت صدور و ضمانت اوراق) و پرداخت کارمزد توسط فروشنده نهاد مورد تأیید قرار گرفته است، می‌توان برخی دیگر از قالب‌های حقوقی را نیز در این باره مطرح کرد که بیع، صلح، و معاوضه سه مورد از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. با این حال، بررسی نقاط قوت و ضعف هر یک از این روش‌ها از منظر فقهی، حقوقی، اقتصادی، و مالی می‌تواند موضوعی برای تحقیقات آتی محسوب شود.

منابع و مآخذ

- موسویان، س.ع. و میثمی، ح. (۱۳۹۷). *بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجارب عملی (ویرایش ششم)*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۱۶ق.). *تحریرالوسیله (ج. ۱)*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۲۱ق.). *کتاب‌البیع (ج. ۱)*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).